

## سروش صحت

## نمی خواستم طنز ساز شوم اما...

نام و چهره "سروش صحت" برای بسیاری از مخاطبان با لبخند همراه است که به واسطه حضور او در سالهای متمادی در آثار طنز است. هر چند کارهای طنز زیادی ساخته، به قول خودش اگر بیست سال پیش از او درباره ساخت طنز می پرسیدند، به شدت مخالفت کرده و می گفته روحیه من به طنز نمی خورد! این هنرمند اصفهانی مدتی است که از جلوی دوربین به پشت دوربین کوچ کرده و به کارگردانی روی آورده است.

بعد از قضیه شمعدانی فشارهای چندانی در ساختن ساختمان پزشکان نبود. چون دیگر اصولاً یک جو برای هر کار طنزی ایجاد شده بود و من فکر می کنم آقای مدیری هم این را تجربه کرده باشند. البته کمی شوخی کردن سخت شده بود و من هم به این فکر کردم که بهتر است یا دیگر تلویزیون کار نکنم یا اینکه در حوزه طنز کار نکنم. برای همین با ایمان که همیشه هم با همدیگر می نویسیم، یک طرح ملودرام نوشتیم. اما چرا ملودرام نوشتیم؟ من واقعاً کار کردن در تلویزیون را دوست دارم و الان که قرار است کار سینمایی بسازم به معنای این نیست که بعد از این سینمایی دیگر در تلویزیون کار نخواهم کرد. هیچوقت دلم نمی خواهد ارتباطم با تلویزیون را کم کنم. یکی اینکه تلویزیون را دوست دارم و تلویزیون را می شناسم. از ابتدا تا کنون با تلویزیون کار کرده ام. نکته دیگر اینکه با تلویزیون شروع کردم و این را یاد نمی برم. یعنی اگر یک جایگاه نصفه و نیمه ای پیدا کرده ام از طریق تلویزیون برایم حاصل شده و این را نباید فراموش کنم. دیگر اینکه مردم اقصی نقاط ایران تلویزیون نگاه می کنند. درست است که ممکن است آمار صعود یا نزول داشته باشد و در یک مقطعی بیشتر تلویزیون نگاه کنند یا کمتر ولی به هر حال تلویزیون در همه خانه ها هست، حتی اگر روشن نمی شود ولی هست. هنوز که هنوز است مردم برنامه نود را می بینند.

البته در نظر سنجی اخیر تلویزیون، لیسانسه ها پر بیننده ترین برنامه تلویزیون بوده. خدا را شکر. ما ابتدا با ایمان صفایی به طرح ملودرام فکر کردیم. چند نکته باعث شد که دوباره به سمت طنز برگردیم. یکی اینکه طرح لیسانسه ها را از قبل داشتیم و یک تهیه کننده خیلی خیلی خیلی دنبال ساخت این کار بود که رضا جودی هیچ جور کوتاه نمی آمد و پیگیری می کرد که حتماً ساخته شود. اگر واقعاً پیگیری ها و تلاشهای آقای جودی نبود قطعاً ساخته نمی شد. پس نخست اینکه

بازیگری مناسب می آمدم! که به نظر من مقوله عجیب و جدیدی بود که تا آن لحظه به آن فکر نکرده بودم. ولی در همان کار ۷۷ به عنوان بازیگر به تیم آقای مدیری اضافه شدم و یکی از نویسندگان کار هم شدم.

## بعد از آن هم علاقمند به طنز؟

اگر شما ۲۰ سال پیش به من می گفتید که به چی علاقه دارم، فکر نمی کردم به طنز علاقه دارم. الان می توانم بگویم که صحبت شما درست است ولی چون با آقای مدیری شروع کردم و ادامه دادم، همینطور در کارهای طنز جلو رفتم و می دانید که آدم در مسیری که می افتد، جلو می رود. شاید اگر با یکی دیگر کارم را شروع کرده بودم الان به نظر می آمد که به ملودرام علاقه دارم.

بعد از حضور جدی در کارگردانی مخصوصاً در سریال "ساختمان پزشکان" دچار حاشیه هم شدید. مثلاً سازنده مستند ۱۶۲ شماره مروج تفکر فروید می دانست. آیا این را می پذیرید؟

نه، به هیچ وجه. معلوم است که نه. به خاطر اینکه یک کار نمایشی بود. اتفاقاً بعداً کارگردان آن کار را دیدم، خیلی هم با هم صحبت کردیم و خیلی هم برخورد خوبی داشتیم. اینکه آدمها همدیگر را ببینند و با هم صحبت کنند، سوء تفاهمهای زیادی را از بین می برد. اما وقتی آدمها همدیگر را نبینند و با هم صحبت نکنند، از هم تصویر ذهنی دارند. ولی وقتی همدیگر را می بینند این تصویر عینی می شود و این خیلی کمک می کند. اما واقعاً فقط یک کار نمایشی و قصه بود. من می توانم از این سبب قرمز و پرتقالی که جلوی شماست، بگویم که به خاطر رنگ نارنجی و او کر این تمایل دارید و به خاطر رنگ قرمز به چیز دیگری ولی این در حالی است که تنها یک سبب و پرتقال روبروی شماست و سبب اصولاً قرمز و پرتقال هم نارنجی است.

بعد از حواشی که ایجاد شد و فشارهایی که عمدتاً به سمت شما می آمد، به نظر می رسید دیگر به سراغ ساخت آثار تلویزیونی نروید؟

شما آلودگی شیمیایی دریا خوانده اید، اما چطور بعد به هنر و بازیگری روی آوردید؟

در حقیقت من فوق دیپلم رادیولوژی و لیسانس شیمی کاربردی و فوق لیسانس آلودگی و حفاظت محیط زیست دریا دارم. از قبل به ادبیات علاقه مند بودم ولی خانواده ام خیلی دلشان می خواست که من پزشک شوم. به همین دلیل می گفتند که پزشکی بخوان ولی اگر خواستی برو ادبیات کار کن! ولی چون درس خیلی خوب نبود پزشکی قبول نشدم و در ابتدا فوق دیپلم رادیولوژی قبول شدم و بعد از آن که دوباره کنکور دادم، شیمی قبول شدم ولی به شیمی خیلی علاقه مند شدم و بعد از آن متداول بود که همه به تحصیلات تکمیلی روی می آوردند و من فکر کردم که شیمی تجزیه و شیمی عالی سخت است و احتمال قبولی ام سخت به نظر می رسید، آلودگی و حفاظت محیط زیست دریا را خواندم ولی در همه این سالها به ادبیات علاقه داشتم.

دلم می خواست یک روزی رمان نویس شوم. بعد از آن فکر کردم حالا که وارد زندگی شده ام چگونه می توانم به علاقه ام برسیم؟ دیدم اگر بخواهم سراغ ادبیات بروم، اوضاع مالی ام چندان مناسب و مساعد نیست، فکر کردم شاید فیلمنامه نویسی بتواند پلی باشد که هم علاقه ام به ادبیات و نوشتن را پوشش دهد و هم شاید بتوانم از آن طریق پول در بیاورم. و اینطور شد که وارد حوزه فیلمنامه نویسی و بازیگری شدم و بعد کارگردانی.

## چطور با آقای مدیری آشنا شدید؟

به واسطه اینکه می خواستم فیلمنامه نویسی انجام دهم و علاقه ای که داشتم، دانشکده سینما و تئاتر و جلسات نمایش فیلم را می رفتم و با آقای ناصر نصیر دوست شده بودم. برادر خانم هم خودش سینما می خواند و از طریق آقای رامین ناصر نصیر با آقای مدیری آشنا شدم. آقای ناصر نصیر به آقای مدیری گفت که به فیلمنامه نویسی علاقه دارم، ولی آقای مدیری گفت که من فیلمنامه نویسنده نمی خواهم و به نظرش برای